

بررسی راهکارهای ارتقاء احساس امنیت در استان سیستان و بلوچستان

حسین ملاشاهی^۱، علیرضا گزمه^۲، محمدرضا جهانتیغ پاک^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۷

چکیده:

احساس امنیت، یکی از مهم‌ترین نیازهای روانی انسان است که متأثر از شرایط اجتماعی است که فرد در آن زندگی می‌کند. احساس امنیت، با بسیاری از عناصر جامعه در ارتباط است. هدف اصلی پژوهش حاضر، تعیین راهکارهای ارتقاء احساس امنیت در شهروندان استان سیستان و بلوچستان است. به منظور تحقق هدف فوق، در این پژوهش، تأثیر هر یک از هفت عامل (اقتصادی، سیاسی، مذهبی، وحدت قومی - مذهبی، رسانه‌های گروهی، عملکرد متولیان امنیتی - نظامی - انتظامی، عدالت کیفری) بر ارتقاء احساس امنیت در مردم استان مورد بررسی قرار گرفت. این تحقیق از نوع توصیفی - پیمایشی بوده و جامعه مورد مطالعه، شامل تمامی ساکنین استان سیستان و بلوچستان می‌باشد که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، ۵ شهر (شامل زابل، زاهدان، سراوان، ایرانشهر و چابهار) انتخاب شده و نمونه‌ای به حجم ۳۸۴ نفر براساس جدول مورگان و با در نظر گرفتن متغیرهایی مانند مذهب، شغل، جنسیت، سطح تحصیلات و سن، انتخاب گردید. اطلاعات مورد نیاز پژوهش از طریق پرسشنامه محقق ساخته با ۳۹ گویه و در مقیاس لیکرت جمع‌آوری گردید. فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون «تی تک نمونه‌ای» مورد آزمون قرار گرفت و تایید شد. نتایج نشان داد که همه ۷ متغیر مستقل مورد مطالعه، بر ارتقاء احساس امنیت در مردم استان سیستان و بلوچستان تأثیرگذار است.

واژگان اصلی: احساس امنیت، استان سیستان و بلوچستان، راهکارهای ارتقاء احساس امنیت، رسانه‌های گروهی، عملکرد متولیان امنیتی - نظامی - انتظامی.

۱. استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول)
۲. استادیار پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، تهران، ایران
۳. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان، زاهدان، ایران

مقدمه

از زمان انسان‌های اولیه، امنیت به‌عنوان اساسی‌ترین رکن زندگی پس از آب و غذا مطرح بوده است. شاید غارنشینی انسان‌های اولیه به‌عنوان اولین تحول زندگی انسان روی کره زمین در پی این نیاز بوده است تا ماوا و مأمنی برای دوری از خطرات دائمی زندگی ایجاد کند. امنیت زیربنای تأمین سایر مایحتاج هست که فقدان آن ابتدا به روان‌پریشی اجتماعی منتهی شده و در پریشان‌حالی و عدم آرامش، انتظار تأمین مایحتاج دیگر حتی در حد برنامه‌ریزی اولیه نمی‌رود. از این رو دغدغه اصلی یک حکومت تأمین امنیت است چراکه در صورت توفیق در این تأمین از یک‌سو شایستگی و صلاحیت حکومت به اثبات می‌رسد و از سوی دیگر زمینه جلب مشارکت عمومی برای هر نوع همکاری با حکومت و برنامه‌ریزی‌های بعدی فراهم می‌شود، (کهریزی، ۱۳۸۵: ۳۲). امنیت یا احساس امنیت ممکن است برای طبقات مختلف جامعه در یک سطح حاصل نباشد و قشر خاصی از جامعه احساس امنیت کمتری نسبت به دیگران داشته باشند یا به‌عبارت‌دیگر منافع خود را بیش از دیگران در معرض خطر یا تهدید می‌بینند. ممکن است در جامعه‌ای امنیت واقعی وجود داشته باشد ولی مردم احساس امنیت نکنند، در این صورت روح جمعی که نگهدارنده و پیوند دهنده هر جامعه‌ای است (از جوامع بدوی تا جوامع مترقی و پیشرفته) به‌تدریج ضعیف و ناکارآمد می‌شود و فدیت آحاد انسانی محور شکل‌گیری حرکت‌ها و تعاملات اجتماعی می‌شود. در چنین حالتی، توانمندی‌های فردی به کار جمع نمی‌آید و استعدادها در جهت بهبود شرایط کلی جامعه بکار گرفته نمی‌شود در نتیجه ساختار «هویت ملی» دچار گسپختگی می‌گردد و این خود زمینه‌ساز رشد بسیاری از ناهنجاری‌هایی است که می‌تواند جامعه را از مسیر توسعه و پیشرفت دور کند (کریمی نوری: ۲۰۸).

شواهد تاریخی حاکی از آن است که هر موقع در جامعه‌ای آرامش و امنیت حکم‌فرما بوده است، آن جامعه رو به پیشرفت گذاشته و در سایه این آرامش بسیاری از دستاوردهای علمی بشر رشد و ترقی نموده است. اما بالعکس وقتی آرامش یک اجتماع دستخوش تغییر و تحول و یا جنگ می‌گشته، احساس امنیت به‌شدت افول کرده و شهروندان از بیم جانشان، حتی نمی‌توانستند به کوچک‌ترین امور زندگی خودسامان دهند. بر این اساس می‌توان اظهار کرد که امنیت پیش‌زمینه یک اجتماع سالم و احساس امنیت بسترساز توسعه جوامع انسانی است و سعادت یک اجتماع در گرو حفظ و بقاء امنیت ناشی از آن است (کامران و شعاع برآوردی، ۱۳۸۹: ۲۶).

احساس امنیت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای روانی انسان هست که متأثر از شرایط اجتماعی است که فرد در آن به سر می‌برد. ارتباط مستقیمی بین امنیت اجتماعی و احساس امنیت

وجود دارد و اجتماعی که امنیت بر آن حکم فرما باشد، افراد آن جامعه احساس امنیت کرده و زندگی اجتماعی سالم و رو به رشدی را خواهند داشت. اما در شرایطی که امنیت یک جامعه رو به افول رود، احساس ناامنی فراگیر می‌شود و افراد با ناآرامی و دغدغه‌های فکری بی‌شماری روبرو خواهند شد که زندگی اجتماعی را مختل ساخته و آن جامعه را از رونق بازخواهد ایستاند.

یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده حضور مردم در فضاهای عمومی، ترس یا احساس ناامنی است. ناامنی مکان‌ها و فضاهای عمومی، نشاط و سلامتی را در زندگی روزمره مختل می‌کند و با ایجاد مانع بر سر راه رشد فرهنگی و مشارکت عمومی، هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل می‌نماید (افتخاری، ۱۳۸۱).

نکته قابل توجه در استان سیستان و بلوچستان این است که مقوله امنیت و احساس امنیت در این استان دارای شرایط خاص خود است؛ چرا که عوامل تهدید کننده امنیت در این استان به مراتب بیش از سایر استان‌های کشور است؛ از یک سو هم مرزی وسیع با کشورهای بی‌ثباتی همچون افغانستان و پاکستان، اشغال این کشورها به ویژه افغانستان توسط امریکا و نیروهای ناتو به بهانه‌های واهی مقابله با تروریسم، کشت و سبب مواد مخدر در این دو کشور، بافت دینی موجود در این استان و زندگی همجوار برادران اهل سنت و تشیع و تفرقه افکنی‌ها و توطئه‌های دشمنان خارجی، محرومیت شدید این استان، نرخ بالای بیکاری، کشاورزی کم رونق، فقدان شهرک‌های صنعتی عمده و عواملی دیگر از این دست باعث شده که امنیت و به تبع آن احساس امنیت در این استان پایین‌تر از سایر استان‌های کشور باشد.

بر این اساس، در پژوهش حاضر به بررسی راهکارهای ارتقاء احساس امنیت در استان سیستان و بلوچستان پرداخته می‌شود، تا مشخص شود، چگونه این عوامل می‌توانند در تقویت و یا کاهش احساس امنیت تأثیرگذار باشند، احساسی که در سطح فردی سلامت روانی فرد را فراهم می‌سازد و در سطح کلان، به آرامش تمامی اعضای جامعه و سازندگی آن اجتماع یاری می‌رساند. بنابراین مسئله تحقیق حاضر این است که مهم‌ترین راهکارهای ارتقاء احساس امنیت در استان سیستان و بلوچستان کدامند؟

چهارچوب نظری

امنیت

امنیت به لحاظ لغوی، نداشتن دلهره و اضطراب و دغدغه و یا مصونیت و نداشتن بیم و احساس تهدید نسبت به منافع اساسی است. ناامنی حالتی تهدید آمیز است که در معرض خطر بودن را القاء می‌کند. خطر یا همان عاملی که وجودش سلب کننده امنیت است، هر عامل یا وصفی را در بر می‌گیرد که محل بر وجود و کمالات آن باشد و نیازها، کمبودها، نقصانها و اختلالات را افزایش می‌دهد. ناامنی حالتی است همواره با خطر و خطر عاملی است در جهت بر هم زدن تعادل حیاتی و روانی و اجتماعی برای شخص و یا گروه یا جامعه. خطر عاملی است که دارایی انسان، گروه و جامعه را سلب و کمالات و توانایی‌های آنها را نابود ساخته و یابه حداقل کاهش می‌دهد. امنیت در خود حامل معانی اطمینان، عدم خوف و در امان بودن و نهراسیدن است. یعنی از احساس امنیت (حالات و موقعیت های ذهنی) ناامنی و اطمینان خارجی (موقعیت های عینی و برونی) در این واژه نهفته است (مؤذن جامی، ۱۳۸۴: ۱۹). امنیت از نظر لارونی مارتین عبارت است از: تضمین رفاه آتی و از نظر جان مورز امنیت یعنی رهایی نسبی از تهدیدات زیان بخش (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۱). در دیدگاه سستی امنیت صرفاً به معنای حصول شرایط فردی، گروهی، اجتماعی است که عاری از خشونت و پرخاشگری باشد. در دیدگاه مدرن و نوین امنیت هم ایمنی ناشی از فقدان خشونت را در بر می‌گیرد و هم بستگی به شرایطی دارد که انسان، به لحاظ شغلی، خانوادگی، فکری، عقیدتی، سیاسی، فرهنگی و مانند آن نیز، در آسودگی یا در رفاه و آسایش باشد. در نگرش نوین به مقوله امنیت هر نوع تأمین اجتماعی و هر نوع مصونیت انسان در برابر آسیب های اجتماعی و حتی آسیب های جسمی و بیماری ها در زمره موضوعی امور امنیتی قرار می‌گیرد. (کاشانی ۳۸۴: ۱۲۸).

امنیت از دو عنصر اصلی تهدید و فرصت برخوردار است و برقراری امنیت منوط به رهایی نسبی از تهدیدها و بهره گیری مناسب از فرصت‌هاست. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۲: ۴). یکی از ابعاد بسیار مهم امنیت بعد اجتماعی آن است. منظور از امنیت اجتماعی، آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه موظف است برای اعضای خود در زمینه‌های شغلی، اقتصادی، سیاسی و قضایی ایجاد کند. بنابراین امنیت اجتماعی چیزی نیست جز حالتی از آسودگی خاطر مردم از ترس، تهدید و اضطراب و مصون ماندن جان، مال، ناموس، هویت و اعتقادات آنان از هرگونه تهدید مفروض (صدیق سروستانی، ۱۳۸۲: ۵).

امنیت اجتماعی اولاً حاصل فضایی اجتماعی است یعنی در بستری اجتماعی شکل می‌گیرد و ثانیاً امنیت اجتماعی دلالت بر رهایی از اضطراب و تعقیب دارد. ثالثاً امنیت اجتماعی ناظر بر مبادلات اجتماعی و استفاده از آن‌ها به مثابه فرصتی برای اطمینان بخشی و اعتماد سازی است که مقدمه پایداری و پیش بینی پذیری کنش‌های کنشگران اجتماعی است. مفهوم امنیت دارای دو بعد عینی و ذهنی می‌باشد. امنیت در معنای عینی فقدان تهدید در برابر ارزشهای کسب شده را مشخص می‌کند و در معنای ذهنی فقدان ترس و وحشت از حمله علیه ارزش‌ها را معین می‌کند. در بعد عینی، امنیت به معنای ایجاد شرایط و موقعیت ایمنی برای حفاظت ارزش‌های اصولی و حیاتی ملی است. از بعد ذهنی، امنیت به معنای احساس امنیت است یعنی امنیت از بعد ذهنی ارتباط مستقیم با ذهنیت و ادراک مردم دارد (خوش فر، ۱۳۸۴: ۲۷۱).

احساس امنیت

احساس امنیت حالتی است که آحاد مردم جامعه هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد. احساس امنیت در یک جامعه به احساس روانی شهروندان از میزان وجود یا عدم وجود جرم و شرایط جرم خیز در آن جامعه باز می‌گردد و هر مقدار فراوانی جرم و شرایط جرم خیز بالاتر باشد احساس امنیت شهروندان پایین تر است. احساس امنیت پدیده روانشناختی - اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگونی می‌باشد. این احساس ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیر مستقیم افراد از شرایط و اوضاع محیط پیرامون است و افراد مختلف به صورت‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. احساس آزادی نسبی از خطر، وضع خوشایندی را در افراد ایجاد می‌کند که فرد در آن، دارای آرامش روحی و جسمی می‌گردد. امنیت از دیدگاه روانشناسی عبارت است از احساس اعتماد، آرامش، رهایی از اضطراب و ترس در رابطه با برآورده شدن نیازهای خود در حال و آینده. بر اساس این تعریف مشخص می‌شود که امنیت اولاً احساس است و دوم اینکه این احساس مربوط به رفع نیازهای خود در حال و آینده می‌باشد. به همین دلیل اینکه فرد بتواند آینده خود را در جهت رفع نیازهای شخصی پیش بینی کند، امری ضروری برای احساس امنیت به شمار می‌رود. با وجود احساس امنیت، فرد از زندگی در محیط اجتماعی خود هراسان و نگران نبوده و در تعامل با محیط اجتماعی خود، از سوی دیگران احساس ایمنی می‌کند. منبع تأمین کننده احساس امنیت برای آحاد و گروه‌های مختلف نیز متفاوت از همدیگر است و این منابع در سه سطح کلان، میانی و خرد اثر گذار می‌باشند.

در سطح کلان ساختار کلی جامعه و ایمن بودن آن از جنگ، قحطی، خشکسالی، زلزله، سیل و سقوط ساختار سیاسی حکومت از عمده منابعی است که ساختار کلان احساس امنیت را در افراد شکل می‌دهند. روابط میان نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی جامعه، چالش‌های بین گروه‌ها و جناح‌های مختلف، کارکرد نیروی‌های انتظامی، ارتش، قوه قضائیه، نظام پولی، نظام مندی شغلی، تعاملات جناح‌های سیاسی، بهره‌وری اقتصادی و بسیاری دیگر از پارامترهای ساختار میانی احساس امنیت در گروه‌های جامعه را شکل می‌دهند و در سطح خرد نیز مشاهدات مستقیم و غیر مستقیم روزانه افراد از پدیده‌های مختلف از جمله سرقت، ضرب و شتم، قتل و غیره و برخوردهای اقتصادی، اجتماعی افراد، احساس امنیت در سطح خرد را شکل می‌دهد. بنابراین احساس امنیت با بسیاری از عناصر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی جامعه ارتباط می‌یابد (مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران، ۱۳۸۲).

احساس امنیت فرآیندی روانی و اجتماعی است که صرفاً بر افراد تحمیل نمی‌شود بلکه اکثر افراد جامعه بر اساس نیازها، علایق، خواسته‌ها و توانمندیهای شخصیتی و روانی خود در ایجاد و از بین بردن آن نقش اساسی دارند. عوامل متعددی در ایجاد احساس ناامنی دخالت دارند که می‌توان به مواردی چون کاهش باور عمومی نسبت به مجرمان، برقراری و حفظ نظم، وجود فرهنگ شفاهی با کارکرد قوی، ایجاد شایعه در میان مردم، فقدان نظام آموزشی و اطلاع‌رسانی فعال جهت ارتقاء دانش و بینش امنیت جامعه اشاره کرد (مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران، ۱۳۸۲).

احساس عدم امنیت در برخی جوامع به واسطه نوع حکومت، افزایش بزهکاری، عدم کنترل مجرمان، ناکارآمدی نیروهای پلیس، محرومیت اقتصادی و اجتماعی، تبعیض و بی‌عدالتی ناشی از عدم امنیت مالی، جانی و روانی در جامعه است و به طور طبیعی فقدان امنیت احساس آن را در شهروندان کاهش خواهد داد. بر اساس تمایز میان مرز احساس و واقعیت می‌توان احساس امنیت را از امنیت واقعی تفکیک کرد. گاهی ممکن است ناامنی‌هایی در جامعه وجود داشته باشد ولی مردم احساس امنیت کنند. زمانی نیز موارد و مصادیق ایجاد ناامنی کم است اما مردم احساس ناامنی می‌کنند. حالت چهارگانه رابطه بین بعد عینی و ذهنی امنیت عبارت است از:

- امنیت وجود دارد، احساس امنیت وجود دارد؛
- امنیت وجود ندارد، احساس امنیت وجود ندارد؛
- امنیت از نظر پلیس و معیارها و شاخص‌های آن وجود دارد اما مردم احساس امنیت نمی‌کنند.
- امنیت با شاخص‌های پلیس وجود ندارد، اما مردم احساس امنیت می‌کنند (پور مؤذن، ۱۳۸۳).

فرضیه‌های پژوهش

۱. عوامل اقتصادی بر ارتقاء احساس امنیت در مردم استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارند.
۲. عوامل سیاسی بر ارتقاء احساس امنیت در مردم استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارند.
۳. عوامل مذهبی بر ارتقاء احساس امنیت در مردم استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارند.
۴. عوامل فرهنگی - قومی بر ارتقاء احساس امنیت در مردم استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارند.
۵. رسانه‌های گروهی بر ارتقاء احساس امنیت در مردم ساکن استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارند.
۶. عملکرد متولیان امنیتی، نظامی و انتظامی در احساس امنیت در مردم استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارد.
۷. عدالت کیفری در تعقیب و دستگیری و مجازات مجرمین در ارتقاء احساس امنیت در مردم استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارد.

روش شناسی تحقیق

روش به کار گرفته شده در این تحقیق پیمایشی و به لحاظ هدف، یک پژوهش کاربردی می باشد. داده‌ها از نوع متغیر کیفی و کلامی با طیف ۵ تایی لیکرت خواهد بود که با استفاده از پرسشنامه از افراد جامعه آماری پژوهش به دست خواهد آمد. جامعه آماری این پژوهش کلیه ساکنین استان سیستان و بلوچستان می باشد که بر طبق سرشماری سال ۹۰ به تعداد ۲۵۳۴۳۲۷ گزارش شده است. حجم نمونه آماری این تحقیق بر اساس جدول مورگان شامل ۳۸۴ نفر از مردان و زنان شیعه و اهل سنت ساکن در شهرهای مختلف استان سیستان و بلوچستان می باشند. این تعداد در دو مرحله انتخاب شدند. در مرحله اول به صورت خوشه ای تصادفی ۵ شهر از شهرهای استان انتخاب شدند. سپس، در هر شهر به صورت تصادفی تعدادی از مراکز رفاهی، فرهنگی، تجاری، آموزشی، نظامی، امنیتی، ادارات دولتی و مراکز قضایی و واحدهای وابسته و همچنین عامه مردم به عنوان نمونه انتخاب و مورد ارزیابی قرار گرفتند. در این راستا، شهرهایی که نمونه های پژوهش از آن‌ها انتخاب شد شامل زابل، زاهدان، ایرانشهر، چابهار، سراوان بودند و سعی شده است نمونه مورد مطالعه، تمام اقشار جامعه را پوشش دهد. مقدار آلفای کرونباخ برای سوالات پرسشنامه برابر با ۰/۹۴۵ محاسبه گردید که نشان دهنده پایایی بالای آن می باشد. به منظور بررسی فرضیات مطرح شده از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده گردیده است.

جدول ۱: مقدار آلفای کرونیخ سوالات پرسشنامه

تعداد گویه	آلفای کرونیخ	پایایی
۶	۰/۹۰۶	عامل اقتصادی
۵	۰/۸۳۰	عامل سیاسی
۷	۰/۷۰۳	عامل مذهبی
۴	۰/۸۵۱	عامل قومی و فرهنگی
۵	۰/۷۹۳	رسانه
۵	۰/۸۷۸	نظامی و انتظامی
۷	۰/۹۰۱	عدالت کیفری
۳۹	۰/۹۴۵	کل پرسشنامه

یافته‌های تحقیق

نتایج توصیفی تحقیق

مطابق با اطلاعات جدول زیر از لحاظ جنسیت، ۵۸ درصد پاسخ دهندگان را مردان و ۴۲ درصد را زنان تشکیل داده اند. از نظر سن، از مجموع ۳۸۴ نفر، ۲۳/۵ درصد پاسخگویان در گروه سنی زیر ۲۵ سال، ۵۴/۶ درصد در گروه سنی ۲۵ تا ۴۰ سال، ۲۱/۹ درصد در گروه سنی بالای ۴۰ سال قرار دارند. از نظر تحصیلات نیز، ۲۳/۵ درصد افراد نمونه دارای تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم، ۱۶/۰۱ درصد دارای تحصیلات فوق دیپلم، ۴۲/۱ درصد دارای سطح تحصیلات لیسانس، ۱۶/۵ درصد فوق لیسانس و ۱/۸ درصد پاسخ گویان دارای سطح تحصیلات دکترا می باشند.

جدول ۲: آمار توصیفی مشخصات عمومی نمونه آماری

مولفه ها	توزیع داده ها
جنسیت	مرد: ۵۸٪ زن: ۴۲٪
سن	زیر ۲۵ سال: ۲۳/۵٪ بین ۲۵ تا ۴۰ سال: ۵۴/۶٪ بالای ۴۰ سال: ۲۱/۹٪

تحصیلات	دیپلم و زیر دیپلم: ۲۳/۵٪ فوق دیپلم: ۱۶/۰۱٪ لیسانس: ۴۲/۱٪ فوق لیسانس: ۱۶/۵٪ دکتر: ۱/۸٪
---------	---

نتایج استنباطی تحقیق

فرضیه اول: عوامل اقتصادی بر ارتقاء احساس امنیت در مردم استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارند.

جدول ۳: نتایج آزمون آماری t تک متغیره عامل اقتصادی

فرضیه اول	تعداد	تفاوت میانگین	انحراف معیار	آزمون آماری	سطح معناداری
	۳۸۴	۴/۱۰	۶/۳۷	$t = ۱۰/۷۲$	۰,۰۰۰

جدول ۳ نتایج آزمون آماری تی تک نمونه‌ای را برای بررسی فرضیه مطرح شده نشان می‌دهد. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد میانگین میزان تأثیر عامل اقتصادی بر ارتقاء احساس امنیت در مردم استان سیستان و بلوچستان برابر ۴/۱۰ است که بیانگر اهمیت بالای این عامل بر احساس امنیت می‌باشد. همچنین یافته‌های به دست آمده حاکی از آن است که آماره $t = ۱۰/۷۲$ و سطح معناداری $Sig = ۰,۰۰۰$ است که بیانگر معنادار بودن رابطه مذکور و تایید فرضیه نخست می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت عوامل اقتصادی بر ارتقاء احساس امنیت در استان سیستان و بلوچستان تأثیرگذار می‌باشد.

فرضیه دوم: عوامل سیاسی بر ارتقاء احساس امنیت در مردم استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارند.

جدول ۴: نتایج آزمون آماری t تک متغیره عامل سیاسی

فرضیه دوم	تعداد	تفاوت میانگین	انحراف معیار	آزمون آماری	سطح معناداری
	۳۸۴	۴/۲۹	۴/۵۴	$t = ۱۵/۸۵$	۰,۰۰۰

به منظور بررسی تایید یا رد فرضیه دوم از آزمون تی بهره گرفته‌ایم که در جدول بالا نتایج آن نشان داده شده است. با توجه به جدول می‌توان مشاهده نمود که $t = ۱۵/۸۵$ و مقدار میانگین

به دست آمده برابر ۴/۲۹ است. ضریب معناداری برای این آزمون صفر است و با توجه به دقت ۹۵ درصد و اینکه مقدار این ضریب کوچک تر از ۰/۰۵ می باشد، می توان نتیجه گرفت که این فرضیه نیز تایید می گردد و عامل سیاسی نیز بر ارتقاء احساس امنیت تأثیر گذار است.

فرضیه سوم: عوامل مذهبی بر ارتقاء احساس امنیت مردم استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارند.

جدول ۵: نتایج آزمون آماری t تک متغیره عامل مذهبی

سطح معناداری	آزمون آماری	انحراف معیار	تفاوت میانگین	تعداد	فرضیه سوم
۰,۰۰۰	$t=18/14$	۶/۰۳	۶/۳۳	۳۸۴	

در فرضیه سوم به تأثیر عامل مذهب بر ارتقاء احساس امنیت پرداخته شده است. با توجه به نتایج ارائه شده می توان مشاهده کرد که میزان معناداری با ضریب اطمینان ۹۵ درصد کمتر از ۰/۰۵ بوده و این بیانگر معنادار بودن رابطه و تایید فرضیه می باشد. پس می توان گفت عوامل مذهبی نیز بر ارتقاء احساس امنیت در استان سیستان و بلوچستان تأثیر گذار بوده و از این عامل مهم نمی توان چشم پوشی کرد. همچنین برای ۳۸۴ نفر از پاسخ دهندگان، میانگین میزان تأثیر عوامل مذهبی ۶/۳۳ و با انحراف معیار ۶/۰۳ و $t=18/14$ گزارش شده است.

فرضیه چهارم: عوامل قومی - فرهنگی بر ارتقاء احساس امنیت در مردم استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارند.

جدول ۶: نتایج آزمون آماری t تک متغیره عامل قومی- فرهنگی

سطح معناداری	آزمون آماری	انحراف معیار	تفاوت میانگین	تعداد	فرضیه چهارم
۰,۰۰۰	$t=17/47$	۴/۳۹	۳/۴۷	۳۸۴	

از نتایج آزمون آماری تی تک نمونه ای برای گویه های عامل قومی - فرهنگی مشاهده می گردد مقدار تفاوت میانگین نمره مجموع گویه ها ۳/۴۷ است و آماره $t=17/47$ و سطح معناداری $Sig=0,000$ است که با توجه به دقت ۹۵٪، بیانگر معنادار بودن رابطه مذکور و تایید فرضیه چهارم است. پس می توان گفت عامل قومی - فرهنگی نیز بر ارتقاء احساس امنیت در استان سیستان و بلوچستان تأثیر گذار می باشد.

فرضیه پنجم: رسانه‌های گروهی بر ارتقاء احساس امنیت در مردم ساکن استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارند.

جدول ۷: نتایج آزمون آماری t تک متغیره عامل رسانه

سطح معناداری	آزمون آماری	انحراف معیار	تفاوت میانگین	تعداد	فرضیه پنجم
۰,۰۰۰	$t = ۱۱/۵۸$	۴/۴۳	۲/۸۸	۳۸۴	

عامل رسانه نیز از جمله عواملی است که تأثیر آن بر احساس امنیت مورد بررسی قرار گرفته است. به منظور بررسی فرضیه پنجم نیز از آزمون تی استفاده کرده‌ایم. با توجه به نتایج حاصل مشاهده می‌کنیم که مقدار تفاوت میانگین ۲/۸۸ به دست آمده و آماره $t = ۱۱/۵۸$ گزارش شده است. با توجه به ضریب معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌توان فرضیه پنجم را نیز تایید نمود. به بیان دیگر رسانه‌های گروهی بر ارتقاء احساس امنیت در مردم ساکن استان سیستان و بلوچستان تأثیرگذار است و نقش چشم‌گیری را در این موضوع ایفا می‌کند.

فرضیه ششم: عملکرد متولیان امنیتی، نظامی انتظامی در احساس امنیت در مردم استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارند.

جدول ۸: جتایج آزمون آماری t تک متغیره عامل نظامی و انتظامی

سطح معناداری	آزمون آماری	انحراف معیار	تفاوت میانگین	تعداد	فرضیه ششم
۰,۰۰۰	$t = ۱۳/۲۹$	۵/۱۵	۴/۱۲	۳۸۴	

متولیان امنیتی، نظامی و انتظامی از دیگر عوامل بسیار مهم است که در این فرضیه به عنوان یک عامل تأثیرگذار بر ارتقاء احساس امنیت مطرح شده است. جدول بالا آمار استنباطی حاصل از آزمون فرض را نشان می‌دهد. آمارهای حاصل حاکی از این است که مقدار تفاوت میانگین ۴/۱۲ با انحراف معیار ۵/۱۵ است و آماره $t = ۱۳/۲۹$ می‌باشد. با توجه به ضریب معناداری $Sig = ۰/۰۰۰$ می‌توان گفت این فرضیه نیز با دقت ۹۵٪ پذیرفته شده خواهد شد. به بیان دیگر می‌توان گفت عملکرد متولیان امنیتی، نظامی و انتظامی در احساس امنیت در مردم استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارند.

فرضیه هفتم: عدالت کیفری در تعقیب و دستگیری و مجازات مجرمین در ارتقاء احساس امنیت در مردم استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارند.

جدول ۹: نتایج آزمون آماری t تک متغیره عامل عدالت کیفری

سطح معناداری	آزمون آماری	انحراف معیار	تفاوت میانگین	تعداد	فرضیه هفتم
۰,۰۰۰	$t = 16/26$	۶/۵۶	۵/۷۹	۳۸۴	

در فرضیه هفتم یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر احساس امنیت مطرح شده است. جدول ۹ نتایج آزمون فرض را برای بررسی این فرضیه نشان می‌دهد. با توجه به آمار ملاحظه می‌شود مقدار تفاوت میانگین نمرات ۵/۷۹ است و آماره $t = 16/26$ است. ضریب معناداری برای این فرضیه با استفاده از آزمون فرض، صفر به دست آمده که بیانگر تایید فرضیه هفتم می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت عدالت کیفری در تعقیب و دستگیری و مجازات مجرمین در ارتقاء احساس امنیت در مردم استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارند.

نتیجه گیری

بدون تردید ایران اسلامی ما از امن‌ترین کشورهای جهان است، و حق هم همین است. جامعه‌ای که بستر تجلی متعالی‌ترین ارزش‌های فرهنگی است، باید این‌گونه باشد. در حالی که در اکثر کشورهای غربی، به‌ویژه در آمریکا، به‌طور متوسط در هر دقیقه قتل و غارتی واقع می‌شود، جوامع شرقی، بالخصوص کشورهای اسلامی از بیشترین امنیت اجتماعی برخوردارند؛ و انتظار این است که ایران اسلامی، پرچم‌دار انقلاب اسلامی، پاسدار و مبلغ والاترین ارزش‌های اخلاقی و انسانی و پیشگام در زدودن پلیدی‌ها و ترویج نیکی‌ها و فضیلت‌ها، کامل‌ترین الگوی امنیت فردی و اجتماعی را در ابعاد مختلف ارائه نماید. امنیت، موهبت الهی و نیاز فطری انسان است. همه انسان‌ها نیازمند امنیت درون و آرامش خاطرند. از این‌رو توجه به ضرورت تقویت احساس امنیت در شهروندان، اعم از زنان و مردان، از خطرناک‌ترین رسالت‌های کارگزاران جامعه اسلامی است.

احساس امنیت خمیرمایه آرامش روان، امید، پویایی و تلاش همیشگی انسان به شمار می‌رود (عادل، ۱۳۷۷). احساس امنیت روانی به معنای واقعی آن زمانی می‌تواند به صورت مطلوب در میان مردم جامعه‌ای که از نظر امنیت اجتماعی کمترین مشکل را دارند، وجود داشته باشد، که افراد و خانواده‌ها بدون دغدغه خاطر و به دور از اندیشه پیدا کردن فردی صاحب نفوذ و معرفی قدرتمند، در کوتاهترین زمان ممکن و در تمام اوقات شبانه روز، به امکانات پزشکی و بیمارستانی لازم دسترسی داشته باشند، در اسرع وقت از حمایت نیروی پلیس مقتدر و توانمند برخوردار شوند و به هنگام رخ دادن حوادث

ناخوشایند از قبیل آتش‌سوزی، سیل، زلزله، تصادف اتومبیل و... در اولین فرصت ممکن اقدامات لازم توسط کارگزاران بیمه برای جبران خسارات و رفع گرفتاری و مشکل صورت پذیرد. همچنین وقتی که گذر شهروندی به دادگاه و دادگستری می‌افتد، اطمینان داشته باشد که ظرف مدت کوتاهی به حقوق حقه خود دست می‌یابد، ولو اینکه از داشتن وکیلی مجرب و متبحر بی‌بهره باشد. آنگاه که خانواده‌ای از وجود ارجمند پدر محروم می‌گردد، نباید نگران تأمین معیشت و نیازهای روزمره زندگی باشد و زمانی که خانمی به ناگزیر از همسر خود جدا می‌شود و هیچ‌گونه پشتوانه اقتصادی ندارد، بداند که نهادی در جمهوری اسلامی حامی و پشتیبان اوست و نیازهای متعارف زندگی او را به فوریت و شایستگی تأمین خواهد کرد. به هنگام سالخوردگی و در شرایط از کارافتادگی نیز، پیرمرد و پیرزنی که همسر و فرزندی برای حمایت ندارند و از توان اقتصادی لازم برخوردار نیستند، سازمان و نهادی فعال و پویا وجود داشته باشد که از هر نظر آن‌ها را مورد پشتیبانی و حمایت قرار دهند و نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی آنان را به نحو مطلوب و خدایسندانه تأمین کنند.

و اما فقط در سایه کسب تجارب موفق و مؤثر در زمینه تدارک امکانات و برنامه‌ریزی‌های جامع و ارزشمند تأمین اجتماعی و تسهیلات بهینه پزشکی و امدادی، نظام عالی و توانمند قضایی، معاضدت‌های کارآمد انتظامی، امکانات قابل قبول و پیشرفته آموزشی در مقاطع مختلف تحصیلی، دقت و سرعت در ارائه خدمات اداری، شهری و رفاهی، وجود مراکز راه‌گشا و کارساز مشاوره و مددکاری اجتماعی و بالاخره سلامت فکری، شایستگی شغلی و مسئولیت‌پذیری مدیران متعهد و کارگزاران عادل و عدالت‌پیشه جامعه و همخوانی گفتار و کردار، ثبات سیاست‌ها در امور برنامه‌ریزی و دقت و پایداری در عمل، پرهیز از شعارهای فارغ از عمل، اجتناب از تعارض‌ها، زدودن فرهنگ تهدید و تحقیر و تلاش پایدار در تکریم منزلت و تأدیب و تنبیه و اصلاح خائنان، کزروان و بزهکاران اجتماعی و ده‌ها اقدام بایسته دیگر، زمینه رشد احساس امنیت روانی و اجتماعی فراهم می‌شود. احساس امنیت، نعمت و موهبت بزرگی است که باید کارگزاران جامعه اسلامی در کنار پلیس نسبت به تبلور چشمگیر آن در میان قشرهای مختلف مردم، به‌ویژه ساکنان مناطق مرزی همانند استان سیستان و بلوچستان همت گمارند و از هیچ کوششی برای ایجاد و تقویت احساس امنیت در مردم فروگذار نکنند.

یافته اول: عوامل اقتصادی بر ارتقاء احساس امنیت در استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارند.

نتایج تحلیل داده‌های مربوط به فرضیه اول که در جدول ۳ آمده است نشان می‌دهد که چون

بین میانگین پاسخ‌های آزمودنی‌ها در $t = 10.72$ و $p < 0/05$ عامل اقتصادی و میانگین نظری، تفاوت معنادار وجود دارد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که عوامل اقتصادی بر ارتقاء احساس امنیت در مردم استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارند.

عوامل اقتصادی عبارت است از برقراری نظم بین عوامل اساسی تهیه مایحتاج معیشتی انسان یعنی منابع اولیه، تولید، توزیع کار و درآمد اعضای جامعه به‌طوری‌که نیازهای ضروری آن‌ها تأمین گردد و آن‌ها از فقدان یا حتی احتمال فقدان این ضروریات احساس خطر ننموده و آرامش و آسایش آن‌ها سلب نگردد. در همین راستا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت را به پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت، تعمیر بیمه، تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی موظف کرده است (ر. ک: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۴۳).

این یافته، با نتایج پژوهش‌های قبلی همخوان است. پژوهش‌های قبلی نشان داده است که امنیت اقتصادی و داشتن سطوح نسبتاً بالایی از رفاه اقتصادی بر احساس امنیت و رضایت از زندگی تأثیر دارد (اینگه‌هات، ۱۹۹۸). عوامل اقتصادی فردی و اجتماعی بر میزان احساس امنیت مردم تأثیرگذار است (دل‌اور و محمدرضایی، ۱۳۸۴). براساس پژوهش نویدنیا (۱۳۸۵) داشتن رفاه اقتصادی بر احساس امنیت تأثیرگذار است.

یافته دوم: عوامل سیاسی بر ارتقاء احساس امنیت در استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارند.

با توجه به داده‌های جدول ۴ و نتایج تحلیل داده‌ها، چون مقدار t مشاهده شده $t = 15.85$ در سطح $p < 0/05$ معنادار است بنابراین می‌توان نتیجه گرفت عوامل سیاسی بر ارتقاء احساس امنیت در مردم استان سیستان و بلوچستان تأثیرگذار است.

از مهم‌ترین عوامل سیاسی، می‌توان به نحوه توزیع قدرت و شکل رژیم سیاسی اشاره کرد. نظام‌های سیاسی بسته و مشارکت‌گریز که تبادل قدرت و چرخش‌نخبگان را بر نمی‌تابند، فاقد امنیت سیاسی لازم هستند. چنین نظام‌هایی بی‌تردید با بحران‌هایی مانند بحران مشارکت سیاسی و توزیع رو به رو خواهند شد. در درون هر جامعه‌ای چنانچه نظام سیاسی حاکم بتواند به خواست‌های متنوع مردم پاسخ در خور و قانع‌کننده‌ای بدهد و نظام مزبور مطابق با باور، عقاید و در یک کلام ایدئولوژی مورد قبول جامعه باشد و از جانب آن تأیید گردد آن نظام از ثبات برخوردار خواهد بود. چنانچه کار آمدی دولت به هر دلیلی کاهش یابد و یا این که باور ملی بر

نفی الگوی حاکم تعلق یابد، زمینه بروز نارضایتی فراهم می آید که در صورت گسترش و تعمیق آن ممکن است به زوال مشروعیت سیاسی نظام و در نهایت بروز رفتارهای اعتراض آمیز که تجلی بیرونی بی ثباتی سیاسی هستند منجر گردد (افتخاری، ۱۳۸۴: ۶۷).

آمارها در مورد اعتماد مردم در سطح کلان که اعتماد به دولت و نظام سیاسی را در بر می گیرد، حاکی از اعتماد معمولی و متوسط مردم به حکومت است. بدیهی است، به موازات کاهش اعتماد مردم به کارگزاران حکومتی و نیز کارایی قوانین و عدالت سیاسی، میزان مشارکت آن‌ها در سیاست گذاری ها و اداره امور کاهش خواهد یافت (زین آبادی، ۱۳۸۷: ۵۶). بر اساس نتایج یک ارزیابی دیگر در زمینه اعتماد مردم به دولت که در سال ۱۳۸۶ انجام گرفته، ۵/۷ درصد گزینه اصلاً، ۶/۲۱ گزینه کم، ۳/۲۳ گزینه تا حدودی، ۶/۳۴ گزینه زیاد و ۱/۱۳ درصد نیز گزینه کاملاً را انتخاب کرده اند. این آمار نیز حکایت از اعتماد متوسط مردم به دولت است (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

این یافته، با نتایج پژوهش های قبلی همخوان است. هزارجریبی و صفری شالی (۱۳۸۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که احساس امنیت با متغیرهای سیاسی و اعتماد به کارآیی مسئولان رابطه دارد.

یافته‌های سوم و چهارم: عوامل مذهبی، قومی و فرهنگی، بر ارتقاء احساس امنیت در مردم استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارند.

نتایج تحلیل داده‌های مربوط به دو فرضیه فوق که در جدول های ۵ و ۶ آمده است، نشان دهنده تأیید فرضیه های پژوهش است بنابراین می توان گفت عوامل مذهبی، قومی و فرهنگی بر ارتقاء احساس امنیت در استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارند.

ایران مجموعه ناهمگونی از اقوام مختلف نژادی، زبانی، مذهبی و فرهنگی بوده است که در برخی از دوره های تاریخی، انسجام و همگونی اجتماعی لازم را نداشته اند. به همین دلیل، عمدتاً نطفه بحران هویت در درون آن‌ها وجود داشته و همین امر باعث بروز بحران های سیاسی و امنیتی در برهه های زمانی خاصی شده است (رضایی، ۱۳۸۵).

مرزنشین بودن مردم استان سیستان و بلوچستان آن‌ها را مستعد پذیرش تحركات قومی - مذهبی و بعضاً تجزیه طلبانه می نماید. همچنین دخالت های آشکار و پنهان دولت های استعماری گذشته و قدرتمند امروز مانند آمریکا و انگلیس که برای ایجاد تفرقه و شکاف در بین قومیت ها و مذاهب، بودجه هنگفتی اختصاص داده اند، باعث می شود که گاهی در مناطق مرزی، از جمله سال

۸۵ در خوزستان، سیستان و بلوچستان و آذربایجان تنش‌هایی دیده شود. بنابراین برای برقراری امنیت در مناطق مرزی باید سه عنصر زبان، مذهب و قومیت بررسی شود (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۸). به اعتقاد برخی پژوهشگران، بزرگنمایی مسائل مذهبی و قومی از برجسته‌ترین روش‌ها و ابزارهای جنگ نرم به شمار می‌آیند (اسلامی، ۱۳۸۹).

کاویانی (۱۳۸۶) بر این باور است که قوم بلوچ به جهت مؤلفه‌هایی نظیر قومیت و مذهب و دوری از مرکز، در تحولات سده اخیر نتوانسته است نقش عمده‌ای ایفا کند و همین عدم مشارکت بر میزان واگرایی این قوم از ملت ایران افزوده است.

نخبگان مذهبی بلوچ یعنی مولوی‌ها، در مسائل سیاسی، فرهنگی و مذهبی بلوچستان نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند. گاهی اوقات مقبولیت مولوی‌ها در نزد مردم از مقبولیت حاکمیت و نیز جایگاه اجتماعی آنان از جایگاه علمی آن‌ها به مراتب بالاتر است. چنین ویژگی، نشان دهنده قدرت نفوذ آنان در برابر دیگر نخبگان بلوچ همچون سردارها، خوانین و دانش‌آموختگان دانشگاهی است (شهبانی، ۱۳۸۶). نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های قبلی هم‌هنگ است (از جمله، هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۸۸؛ اخوان کاظمی، ۱۳۷۸؛ کاویانی، ۱۳۸۶؛ شهبانی، ۱۳۸۶).

یافته پنجم: عملکرد رسانه‌های گروهی در ارتقاء احساس امنیت در مردم استان سیستان و بلوچستان مؤثر است.

تحلیل داده‌های مربوط به فرضیه فوق (جدول ۷) بیانگر تأیید فرضیه و تأثیر مثبت رسانه‌های گروهی در ارتقاء احساس امنیت مردم استان سیستان و بلوچستان است.

نقش رسانه‌ها در احساس امنیت مخاطبان قدرتمند و اثرگذار است زیرا رسانه‌ها امروزه به جهت منافع سودطلبانه و ایفای نقش خود در جهت جذب مخاطبان بیشتر، از پیام‌هایی استفاده می‌کنند که در آن اغراق بسیاری به کار رفته و مصرف‌کنندگان عمده آن‌ها تحت تأثیر چنین پیام‌هایی رفتار و کردارشان چه به صورت آگاهانه و چه ناآگاهانه از آن تأسی جسته و پیرو آنان می‌گردند.

براساس پژوهشی که در شهر شیراز انجام گرفت، محققان دریافتند که بین وسایل ارتباط جمعی نوین، دینداری اعتقادی، پیامدی و مناسکی، سرمایه فرهنگی - آموزشی، فرهنگی - گردشگری و فرهنگی - اجتماعی با متغیر احساس امنیت اجتماعی زنان ارتباط معناداری وجود دارد (موحد و همت، ۱۳۸۹).

بنابراین تأثیر رسانه‌های گروهی بر احساس امنیت در پژوهش‌های دیگر نیز تأیید شده است (بیات، ۱۳۸۸؛ تاجران، ۱۳۸۹؛ ربانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ شایگان، ۱۳۸۹؛ موحد و همت، ۱۳۸۹).

یافته ششم: عملکرد متولیان امنیتی، نظامی و انتظامی در ارتقاء احساس امنیت در مردم استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارد.

با توجه به جدول ۸ فرضیه فوق تأیید شد و لذا می توان گفت عملکرد پلیس و نیروهای نظامی و امنیتی در ارتقاء احساس امنیت در مردم استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارد. اگر در جامعه ای شهروندان احساس کنند که پلیس بی تأثیر یا فاسد است و یا نهادهای اجرای قانون در کار خود شکست خورده اند، بی اعتمادی همراه با پیامدهای سوپی که بر انسجام اجتماعی و قبول و رعایت هنجارهای اجتماعی دارد، بر جامعه مستولی خواهد شد. پژوهشی در کشور آفریقایی غنا (آدومیرکو، ۲۰۰۲) نشان داد که طرز تلقی ساکنان از پلیس محلی بر احساس امنیت تأثیر ندارد. این نتیجه از این جهت است که مردم به این باور رسیده اند که پلیس با هزاران مشکل و مسئله همچون فساد و فقدان توانایی ها و تجهیزات دست به گریبان است. آن‌ها، پلیس را برای پاسخ گویی به انتظارات شهروندان به عنوان یک نهاد کنترل اجتماعی مؤثر نمی دانند. از این رو بسیاری از شهروندان غنایی، پلیس را به عنوان محافظ و یا حامی در مقابل آزار و اذیت‌ها و خطا-های احتمالی نمی دانند (مهرابی، ۱۳۹۳).

بین نگرش نسبت به عملکرد پلیس و میزان احساس امنیت اجتماعی در شهر یاسوج ارتباط دیده شد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۱).

این یافته که نحوه عملکرد پلیس و متولیان امنیتی بر میزان احساس امنیت تأثیر دارد، در پژوهش‌های قبلی نیز تأیید شده است. (از جمله، مرکز افکار سنجی ناجا، ۱۳۸۳؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۱؛ مهرابی، ۱۳۹۳).

یافته هفتم: عدالت کیفری در تعقیب و دستگیری و مجازات مجرمین در ارتقاء احساس امنیت در مردم استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارد.

بر اساس نتایج جدول ۹ فرضیه فوق نیز تأیید گردید. این نتیجه با نتایج تحقیقات گذشته همسو و همخوان است.

امکان دادخواهی، وجود دادگاه با شرایط رسیدگی منصفانه، امکان داشتن وکیل، فقدان موانع برای دفاع، اعمال اصل برائت، وجود صلاحیت نسبی و تخصصی در دادگاه‌ها، رعایت اصل قانونی جرم و مجازات و صلاحیت ضابطان و مجریان قضایی را باید از شاخص‌های امنیت حقوقی و به ویژه قضایی دانست (ره پیک، ۱۳۷۷).

کیفیت مناسب عملکرد دادگاه ها در به کار بستن ضمانت های اجرایی قانون، به ترتیبی که شهروندان را قبل از نقض قوانین و تعهداتشان از آن عمل باز دارد، اطمینان خاطر در فضای عمومی جامعه از این که قانون و قواعد حقوقی و انواع قراردادهای خصوصی اشخاص به هر قیمت قانونی اجرا خواهد شد، اعتقاد به اجرای عدالت کیفری در تعقیب و دستگیری و مجازات مجرمین بدون تبعیض قومی و مذهبی از جمله مواردی است که می تواند بر احساس امنیت در مردم تأثیرگذار باشد (نوروزی، ۱۳۷۹).

احساس امنیت با متغیرهای احساس عدالت و اعتماد به مسئولان و نیز احساس عدالت رویه ای رابطه دارد (هزارجریبی و صفری شاهی، ۱۳۸۸).

پیشنهادات تحقیق

- با توجه به اینکه عامل اقتصادی بر احساس امنیت مردم استان تأثیرگذار بود لذا ایجاد امکانات اشتغال، توسعه خدمات بهداشتی و درمانی در تمامی مناطق استان، توجه بیشتر به ظرفیت مرز و فعال نمودن بازارچه های مرزی و کمک به قشرهای ضعیف و نیازمند در مناطق محروم و مرزی استان، می تواند تا حد زیادی احساس امنیت را در مردم ارتقاء دهد.
- پیشنهاد می شود نیروهای نظامی و انتظامی بر موضوع برون داد سازمانی در زمینه امنیت و رضایت شهروندان از عملکرد خویش توجه نموده و به بازبینی و اصلاح برنامه های خود براساس آخرین یافته های علمی بپردازد. همچنین اطلاع رسانی شفافیت در زمینه امنیت و تصویر تلاش های خود داشته باشد.
- سازمان های امنیتی، ضمن اعمال اقتدارگرایانه در برخورد با ناامنی ها در سطح جامعه، رویکرد جامعه محوری را همراه با وجهه رحمت و عطف که خود موجب اعتماد مردم به پلیس و احساس امنیت می شود، توسعه دهد.
- وزارتخانه های آموزش و پرورش و آموزش عالی زمینه های رشد و توسعه را در همه مناطق استان و به ویژه در شهرهای جنوبی و مرزی استان فراهم نمایند.
- افزایش رایزنی های فرهنگی میان اندیشمندان و علمای اسلامی حوزه های علمیه تشیع و تسنن در سطح استان و کشور به منظور کاهش تنش های مذهبی در مناطق مستعد استان سیستان و بلوچستان.

- ایجاد میز مخصوص مطالعات قومی- مذهبی در وزارتخانه‌های اطلاعات، کشور و علوم (ایجاد کرسی‌های زبان کردی و بلوچی در دانشگاه‌ها نمونه‌ای از این اقدامات است).
- بهره‌گیری از ظرفیت‌های نخبگان علمی و دانشگاهی قومی و محلی در اداره امور مناطق مختلف استان.
- توسعه و تقویت برنامه‌های رادیو و تلویزیونی ملی و استانی با محوریت وحدت ملی.
- تأکید رسانه‌های جمعی بر پرداختن به اخبار حوادث و اتفاقات با محوریت منافع ملی و افزایش احساس امنیت عمومی و پرهیز از اعلام برخی ناامنی‌ها در گوشه و کنار استان.
- تصمیم‌گیرندگان حوزه امنیت استان، وحدت رویه اختیار کرده و از تعدد مراکز تصمیم‌گیری پرهیزند.
- تعامل و برگزاری نشست‌های مختلف دست‌اندرکاران امنیت استان با نخبگان و اندیشمندان دانشگاهی و حوزوی (علمای شیعه و سنی).
- بخش عمده‌ای از اعتماد اجتماعی در فرآیند تعامل روزمره با سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف سیاسی، اداری، اقتصادی، امنیتی و قضایی شکل می‌گیرد. بنابراین تلاش برای بهبود کارکرد این سازمان‌ها در استان برای جلب اعتماد اجتماعی می‌تواند به صورت غیر مستقیم در بالا بردن سطح احساس امنیت مؤثر باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴). معمای امنیت عمومی، درآمدی بر جایگاه تازه پلیس در جامعه، در مجموعه مقالات کنکاشی بر جنبه‌های مختلف امنیت عمومی و پلیس، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت ها، هراس، تهران: ترجمه و انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خوش فر، غلامرضا (۱۳۷۹). امنیت و جامعه مدنی، امنیت، ۴(۱۳-۱۴)، ۲۵-۴۷.
- دلاور، علی (۱۳۷۸). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، چاپ سوم، تهران: انتشارات رشد.
- ره پیک، حسن (۱۳۷۷). امنیت ملی و تحدید حقوقی آن، مطالعات راهبردی، ۱(۲)، ۱۲۹-۱۴۲.
- شبان، ناصر (۱۳۸۶). تحلیل راهبردی مسایل امنیتی استان سیستان و بلوچستان. میزگرد علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- صدیق سروسستانی، رحمت اله (۱۳۸۲). بررسی برخی عوامل تهدید کننده امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی. انتشارات نیروی انتظامی.
- کاشانی، مجید (۱۳۸۴). نقش نهادهای آموزشی در برقراری حفظ امنیت ملی، مجموعه مقالات امنیت اجتماعی، انتشارات: معاونت اجتماعی ناجا.
- مرکز افکار سنتی دانشجویان ایران (۱۳۸۲). بررسی میزان احساس امنیت شهروندان، به سفارش معاونت اجتماعی ناجا.
- موذن جامی، محمدهادی (۱۳۸۴). تأملی بر مفهوم نظم و امنیت و عوامل مرتبط با آن، مطالعات امنیت اجتماعی، ۱(۱)، ۱-۲۰.
- نوروزی، کامبیز (۱۳۷۹). امنیت قضایی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نویدینا، منیژه (۱۳۸۲). درآمدی بر امنیت اجتماعی، مطالعات راهبردی، ۶(۱۹)، ۵۵-۷۸.
- هزارجریبی، جعفر و صفری شالی، رضا (۱۳۸۸). بررسی رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن؛ مطالعه در بین شهروندان تهرانی، انتظام اجتماعی، ۱(۳)، ۲۸-۷.